

نوا

علی‌رضا شفافی و تیتراژ هزاره شعر

تیتراژ برنامه «هزاره شعر» تحت عنوان «دلنتگی» با صدای علیرضا شفافی، آهنگسازی فریدسعادت‌مندو ترانه عبدالجبار کاکایی منتشر شد. عبدالجبار کاکایی ترانه‌سرای این اثر در این خصوص گفت:«من با فرید سعادت‌مند سابقه همکاری بسیار خوبی دارم، پیشنهاد ایشان مثل همیشه تحسین برانگیز، زیبا و احساسی بود. در ترکیب کلام و موسیقی قرار شد نیم‌نگاهی به سنت تصنیف‌سرایی ایرانی داشته باشم که با موضوع برنامه تناسب داشت حدوداً ۳ روز مراده کلامی بین من و فرید به سرانجام رسید اما این پایان ماجرا نبود به جمع ما خواننده خوب، خوش صدا و با اخلاق، علیرضا شفافی پیوست و پایان خوب ماجرا این ترانه،فرقانمهای محزون در بی‌شکبایی سنتی عاشق غزل‌های ایرانی است که با ملودی و تنظیم استادانه فرید و اجرای هنرمندانه علیرضا شفافیی به ثمر نرسشته است.»
علیرضا شفافیی خواننده«دلنتگی» گفت: «در میان صد‌ها برنامه بی‌محتوا که شبانه‌روز از رسانه‌های مختلف پخش می‌شود و ذهن و روح مخاطبان را بیمار می‌کند و جامعه را به پوچی می‌کشاند، برنامه فاخر و فرهنگسازي چون هزاره شعر در نایابی است که روح جامعه را جلا می‌دهد. بسیار خوشحال و مسرورم که برای این برنامه وزیر خواندم. اجرای جناب کاکاوند هم که شیرینی برنامه را صدچندان کرده است.» این خواننده که به‌تازگی تجربه خواندن در کنسرت‌ها اظهار داشت: «تجربه شیرین همکاری با فرید سعادت‌مند عزیز و استاد کاکایی و آهنگ فرید عزیز همیشه لذت‌بخش و مایه افتخار و البته دشوار و حساس بوده و هست. از لذت این همکاری‌ها هر چه بگویم کم است. کلمات در قلم استاد کاکایی رقصان و روانند و معجزه ترانه‌های ایشان روان بودن در عین تفاخر و حفظ شأن هنر است. موسیقی فرید سعادت‌مند هم در عین تفاخر و پیچیدگی روان و ساده و اصیل است.»

رسانه

بی نشان روی آنتن شبکه ۳

شبکه‌های تلویزیون برای امسال سریالی ویژه دهه اول محرم نداشتند. هر چند ساخت سریال‌های مناسبتی در سیمای نقد‌های زیادی رویه‌ر بوده اما همیشه این سریال‌ها آنتن خود را داشتند. با گذشت دهه اول محرم شبکهٔ ۳ سریال «بی‌نشان» را روی آنتن دارد. به گزارش همشهری، بی‌نشان به نوپسندگی مشترک آرت‌زتابرایی و مهدی حمزه کارگردانی اما فریدول به تهیه‌کنندگی مرتضی زرقا کریمی در ۳۰ قسمت از شبکه ۳ سیما در هفته‌های پیش‌رو روی آنتن می‌رود. از فردين خلعتی‌ز به‌عنوان آهنگساز این سریال نام برده شد. همچنین از لوگوی این سریال با طراحی حامد نخلی‌رومیایی شد. این سریال خانوادگی-اجتماعی است. در تعریف موضوع و قصه سریال آمده است: برای احقاق حق و حقیقت، ابرو که سبیل است؛ جان باید داد. این سریال در لوکیشن‌های مختلف در تهران ضبط شده‌است و بخشی از سریال هم منتسب با حال و هوای قصه در کرپلا جلوی دوربین رفته است. از شاخصه‌های بی‌نشان در کنار سوزه برداخت آن، حضور نسلی از بازیگران جوان در کنار پیشکسوتان بازیگری است. علاوه بر سریال بی‌نشان، سریال آتش سرد هم ده دوم محرم(از ۲۱ مرداد) پخش می‌شود.



رویداد

«اشک عزا» منتشر شد

«اشک عزا» نخستین قطعه از قطعات دهگانه آلبوم «نواحی اشک ۲» به‌صورت صوتی و نگاه منتشر شد. این قطعه در دستگاه شور با خوانندگی متین رضوانی پور و تنظیم آرمان مهریان به ثمر رسیده است. طراحی گرافیک این اثر را اونشیروان مانی به‌عهده داشته است.

هدف از تولید این آلبوم با‌سازی نواهای مذهبی، آیینی مرتبط با واقعه عاشورا و اراج‌گذاری به هنر اصیل آوازخوانی مبتنی بر ردیف آوازی موسیقی دستگهای ایران است. در همین راستا آلبوم «نواحی اشک یک» در ماه محرم سال گذشته تولید شد و آلبوم «نواحی اشک ۲» به مناسبت ماه محرم امسال در دست تولید است. این آلبوم شامل ۶ قطعه، اشک عزا، این دل تنگم عهده‌دار، ای سپرده در خرابه جان، مسالقی لب تنگسان، طفلان مسلم، حضرت قاسم(ع)، حضرت علی اصغر(ع)، شه‌زاده اکبر(ع)، حضرت ابوالفضل(ع) و عزیمت به شام است. آلبوم «نواحی اشک ۲» به‌صورت صوتی و کلیپ در روزهای اول تا دهم محرم، گام به گام به‌صورت مجازی و عمومی انتشار خواهد یافت و پس از دهه اول محرم به‌صورت آلبوم در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.



سحر طاعتی روزنامه‌نگار

هر ساله در ایام محرم و صفر خصوصا دهه اول محرم به‌واسطه نوع عزاداری‌ها، موسیقی‌ها و نوحه‌هایی به گوش می‌رسند که متأسفانه بسیاری از آنها هیچ سنسختیتی با فرهنگ و موسیقی ایرانی ندارند و به جای گوش‌نواز بودن بعضا گوش خراش‌اند؛ اتفاقی که شا ید از یک دهه گذشته بسیار پررنگ تر شده و هر روز نیز با ورود و هجوم انواع موسیقی‌های بیه اساس، جایگاه موسیقی و آواز ایرانی در نوحه‌ها و مرثیه‌سرایی‌ها کمتر و کمتر می‌شود و این در حالی است که در گذشته آوازخوانان بنام در این ایام برای یادگیری و گرفتن ابده برای ساخت آثارشکلن پای روضه‌خوانی و مداحی می‌نشستند و کسب تجربه می‌کردند. رضا مهدوی، موسیقی‌پژوه، منتقد‌هنری، مدرس دانشگاه فرهنگیان، نوازنده سم‌تور و بر‌نامه‌ساز رادیو و تلویزیون که از دهه ۷۰ مدتی موسیقی دانشگاه سوره و علمی‌کاربردی و از دهه ۸۰ تا سال ۹۲مدیریت مرکز موسیقی حوزه هنری را بر عهده داشت‌به سوآلات‌مان در خصوص آسیب‌شناسی موسیقی‌های مذهبی محرم پاسخ داده است.

سال‌هاست شاهد این هستیم موسیقی‌هایی که به‌عنوان موسیقی م‌داحی و مذهبی در ایام محرم به گوش می‌رسند هیچ سنسختیتی با موسیقی سنتنی با بومی ما ندارند. چه اتفاقی افتاده که طی یکی دو دهه اخیر این مغلغل در موسیقی‌های محرم دیده می‌شود؟

از ابتدای دهه ۸۰مدیران فرهنگی ما دچار غفلت بیشتری شدند. چه در رسانه‌ها و چه در مراکز و سازمان‌ها و حتی ادارات و به نوعی غیرمستقیم و حتی مستقیم هنرمندان را به سمتی بردند که گویی مردم گوش‌های‌شان متوجه موسیقی‌های دیگری شده و هر آنچه اصالت و ریشه داشته را خیلی پذیرانیستند. این موضوعی است که باید تحلیل و بررسی و آسیب‌شناسی شود که البته تاکنون صورت نگرفته است.بر همین اساس آثاری که برای مجوزگرفتن آمد و حتی بعدها با شکل‌گیری فضاهای مجازی، دراختیار همگان قرار گرفت؛دیدیم که آثار بیشتر به سمت موسیقی‌های پاپ بی‌هویت رفت. ما با موسیقی پاپ به‌معنای مردم‌وار آن که‌هویت ایرانی دارد و براساس فرهنگ ایرانی و اصول و شعور فرهنگی و سبک زندگی خانواده ایرانی است؛ مشکلی نداریم چه پسا که قبل از انقلاب هم موسیقی پاپ حقیقی داشتیم که در نوع خود منحصر بودند. حتی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هم موسیقی‌های پاپ و سرودهای بسیار خوب داشتیم. اما مسئولین با نحوه مدیریت اشتباه و خطاهای اوهریدی باعث دورشدن هنرمندان از آن فضاهای اصیل شدند و از هنرمندان اصیل هم به‌نوعی خواستند که اگر موسیقی دستگهای موسیقی ریشه‌دار و گونه‌های مختلف موسیقی ایران و نواحی و اقوام نواحی را کار می‌کنند بیابند کارهای‌شان را سهیل‌الوصول انجام دهند و به نوعی آن جایگاه علمی و هنبری و فاخر بودن را از آنها گرفتند. بالطبع هنرمندان هم برای گذران زندگی‌شان و حتی آنهایی هم که می‌خواهند عرض ارادتی در این ایام به فرهنگ عاشورایی داشته باشند وقتی می‌بینند فرم، شکل و قالب اینگونه طراحی شده و اینطور حمایت می‌شود از مواضع خودشان اندک اندک کوتاه می‌آیند. البته کسانی که اساسا موافق نیستند، سال‌ها و هم‌اکنون در کنج‌انزوا هستند و از آنها آثاری خواسته نمی‌شود که اگر هم خواسته شود هزینه می‌خواهد و در

سوگواره



عکس همسرهای سازبازانه

نوحه در ردیف دلنشین می‌شود

گفت و گو با رضا مهدوی درباره آسیب شناسی موسیقی مذهبی محرم

این شرایط نه شرکت‌های خصوصی مطالبه‌گری و حمایت می‌کنند و نه بخش‌های دولتی که موظفانند…

رسانه‌ها و تمام فضاهای شنیداری نیز به سمت و سویی رفته که شاهد تولید موسیقی‌هایی هر چند با شعرهای خوب هستیم اما اینها در شأن و شئون دستگاه امام حسین(ع) و راه و روش عزاداری و سبک زندگی خانواده ایرانی نبوده، نیست و نخواهد بود و بالطبع خدشه و وعشه ایجاد می‌کند. اینگونه رفتارهای نادرست که صرفا موسیقی، ریتم و کلام ایجاد می‌شود فقط در مناسبت‌ها لحظه‌هایی افرادی را همراه می‌کند با موسیقی اما ساعتی نمی‌گذرد که به‌فرهنگ سیرده شده و ماندگار و مانایی ندارد چرا که از فرم و شکل و قالب درست و اصولی که اساسا مبتنی بر موسیقی ردیف دستگهای با کلیت موسیقی ملی ایران است بی‌بهره‌اند.

چقدر می‌توانیم از موسیقی برای تبلیغ آیین‌های مذهبی استفاده کنیم؟

وقتی در طول تاریخ، ادیان را بررسی می‌کنیم می‌بینیم همه از فرهنگ‌های پیرودانه‌هنر فنر فنر موسیقیا… در کشور ما نیز همینطور بوده است. چه زمانی که ما آیین دیگری قبل از اسلام داشتیم و زرتشتی بودیم، و چه زمانی که اسلام عزیز را می‌پذیریم، موسیقی همراه که گونه‌ها و اشکال مختلف وجود داشته و این کلام‌ها بوده که متفاوت شده است. نوحه‌خوانی‌ها، اذکار و روضه‌ها همان گاتخوانی‌هایی است که در آیین زرتشت بوده و ایرانی‌ها برای دعاها و سرودهای مذهبی‌شان داشتند. حالا این اشعار مبتنی شده بر فرهنگ اسلامی مبتنی بر سیره خاندان پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار و دعاهایی که براساس شریعت اسلام آمده است. به‌طور کلی باید بگویم که موسیقی در تمام ادیان حضور داشته و در دین اسلام به‌بخشی‌اش موجه بوده و بخش دیگری از آن در دوره‌های تاریخی مثل دوره صفویه نیز بوده است. البته در طول تاریخ فراز و نشیب‌هایی در رابطه با هنر شریف موسیقی بوده اما با این حال همیشه موسیقی حضور و جایگاه داشته است.وقتی کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» نوشته روح‌الله خالقی را می‌خوانیم متوجه می‌شویم که اشاره به‌گونه موسیقی مذهبی دارد. استاد ابوالحسن خان صبا سفارش‌ش‌هایی در این ایام به شاگرد دانش دارد که کلاسنس را تعطیل می‌کرده و می‌گفته فریود پای منبرها و آنها را به‌عنوان ملودی‌هایی اخذ کنید و در آهنگسازی و تصنیف‌سازی خودتان بهره ببرید… این مسئله‌ای بوده که همیشه وجود داشته و به شکل ظاهری و قوی‌ترش در دهه محرم از گذشته‌های دور در عزاداری‌های خیابانی سنخ و طبل و زنجیرزنی و سینه‌زنی و مقتل خواننی صورت می‌گرفته است. مهم‌تر از همه اینها یک هنر پیشرو که در زمان خودش مدرن بوده هنر نمایشی – موسیقایی – ادبی و نقاشی‌هایی بوده به‌عنوان هنر تعزیه که اصالتا از موسیقی‌های شهری و روستایی و بعدها موسیقی دستگهای ایران بوده و می‌تواند به‌عنوان مبلغین هم نقش آفرینی کند. اینجانه‌اینکه موسیقی صرفا‌بازر باشد بلکه موسیقی در اصل؛ نهفته در فلسفه فرهنگ‌ها به‌خصوص فرهنگ ایرانی – اسلامی بوده و هست. طبیعتا مبلغین هم اگر بعد از سخنرانی‌ها و منبرهای خود مداحانی را می‌آورند؛ آنها هم دارند به نوعی موسیقی را کار می‌کنند به شکل دیگری. قاریان قرآن در سراسر جهان اسلام با موسیقی می‌خوانند. ما بدون موسیقی نمی‌توانیم آیین و رفتار دینی و مذهبی و آیینی را ارائه دهیم و حتی بخواهیم خالص و مجرد هم ارائه دهیم حتما باید تلفیق و بهره‌برداری و هم‌بهرداری از گونه‌ها و هنرهای ما می‌سویقا باشد.

به تعزیه اشاره کردید. ما می‌توانیم بگویم ریشه تعزیه بر اساس موسیقی سنتی

است در کنار آن نقاشی و گرافیک و نمایش نیز نقش آفرینی می‌کنند؟

بله. زنده‌یاد دکتر مسعودیه معتقد بود نخستین تعزیه در بارگه یزید برگزار شد که آن وقایع را به تصویر کشیدند. حضرت زینب(س) در آن خطبه مقتدارن‌نشان با رشادت می‌گوید هر آنچه من دیدم زیبایی است و فلسفه هنر، فلسفه سیاست، فلسفه زندگی، فلسفه این رشادت‌ها را و حساسه برادر و خاندانش را به رخ می‌کشد و به‌عبارتی به‌عنوان یک اطلاعیه مهم جهانی خبرسانی می‌کند با صدای رسا براساس رثا… از این به بعد این هنر می‌آید و کسی برای‌شان ساز بزند، اعتقاد داشت این فرهنگ قدرتی دارد. به‌رغم اینکه تقسیم هم بسیار مهم است. او می‌گفت خوانندگان دیگر می‌خوانند و سناز هم جواب می‌گیرد من هم نیازی ندارم.ساز برایم جواب میدهد و گوش‌ها را اینگونه نوازش روحانی می‌داد. همیشه صدایش از رادیو شنیدنی بود. از این دست هنرمندان باز می‌توان به مرحوم مشکین؛موسیقی‌دان اشاره کنم.ایشان نوازنده تار بود؛ولقی نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی می‌کرد با تار بود. دوره‌های گذشته و قیلا موسیقی ما از مقامی بوده و خنیاگران به‌واسطه‌هایی موسیقی ایران را در سراسرزمین‌های دیگر با تمامی وجوه دینی و ملی نشر و نمو می‌دادند. در تعزیه لباس‌ها تصنیف کسانی بودند که در تعزیه صدای رسایی داشتند و قابلیت‌های ویژه برای شعرخوانی داشتند و مقاتل را به خوبی حفظ بودند، عربی و فارسی را به خوبی می‌دانستند و اینگونه بوده که بسیاری از خوانندگان مطرح را توسط دوره پهلوی دوم کسانی بودند که در تعزیه‌ها فعالیت‌های هنری می‌کردند. البته شغل‌هایشان چیزهای دیگری بوده و برحسب ارادت به دستگاه و فرهنگ عاشورا می‌آمدند بدون مزد و منت می‌خواندند و می‌رفتند.

چرا مداحی‌های ما که کاملا در گذشته مبتنی بر آواز ایرانی بوده امروزه به سمت تقلید از موسیقی‌های غیر ایرانی رفته است؟



وقتی در طول تاریخ، ادیان را بررسی می‌کنیم می‌بینیم همه از هنرها بهره‌برده‌اند؛ به‌ویژه هنر فن موسیقایی، در کشور ما نیز همینطور بوده است. چه زمانی که ما آیین دیگری قبل از اسلام داشتیم و زرتشتی بودیم، و چه زمانی که اسلام عزیز را می‌پذیریم، موسیقی همواره در گونه‌ها و اشکال مختلف وجود داشته و این کلام‌ها بوده که متفاوت شده است

به این دلیل که بسیاری از مداحان بعد از انقلاب نخواستند که اصول آواز و موسیقی نهفته در ذات را یاد بگیرند. مرحوم سیدجواد ذبیحی از بهترین خوانندگان و نوابغ بود اما خودش را مصروف مناجات‌خوانی‌ها کرد. مرحوم داوود پیرنیا به‌خاطر ایشان برنامه گل‌ها را ایجاد و طراحی کرد. حتی در برنامه «هرگ سبز» وقتی می‌خواند اجازه نمی‌داد کسی برای‌شان ساز بزند، اعتقاد داشت این فرهنگ قدرتی دارد. به‌رغم اینکه تقسیم هم بسیار مهم است. او می‌گفت خوانندگان دیگر می‌خوانند و سناز هم جواب می‌گیرد من هم نیازی ندارم.ساز برایم جواب میدهد و گوش‌ها را اینگونه نوازش روحانی می‌داد. همیشه صدایش از رادیو شنیدنی بود. از این دست هنرمندان باز می‌توان به مرحوم مشکین؛موسیقی‌دان اشاره کنم.ایشان نوازنده تار بود؛ولقی نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی می‌کرد با تار بود. دوره‌های گذشته و قیلا موسیقی ما از مقامی بوده و خنیاگران به‌واسطه‌هایی موسیقی ایران را در سراسرزمین‌های دیگر با تمامی وجوه دینی و ملی نشر و نمو می‌دادند. در تعزیه لباس‌ها تصنیف کسانی بودند که در تعزیه صدای رسایی داشتند و قابلیت‌های ویژه برای شعرخوانی داشتند و مقاتل را به خوبی حفظ بودند، عربی و فارسی را به خوبی می‌دانستند و اینگونه بوده که بسیاری از خوانندگان مطرح را توسط دوره پهلوی دوم کسانی بودند که در تعزیه‌ها فعالیت‌های هنری می‌کردند. البته شغل‌هایشان چیزهای دیگری بوده و برحسب ارادت به دستگاه و فرهنگ عاشورا می‌آمدند بدون مزد و منت می‌خواندند و می‌رفتند.

ما چند سالی است که در سوگواری‌های خیابانی همراه با نوحه‌خوانی همراهی می‌ساز‌ها را هم می‌بینم. این مسئله چقدر اصولی صورت می‌گیرد و آیا ما در گذشته همراهی‌ساز با نوحه را داشته‌ایم؟

خیلی‌دقت نظر می‌خواهد و خیلی باید عالم باشد آن کسی که اقتضای؛ همین دستگهای است و به هر شکلی می‌خواهد در هیئت‌ها و مجالسی که وجود دارد؛ عرض ارادت کند که چگونه و از چه‌ساز، از چه بعد صدایی‌ساز و از چه تکنیکی. آیا مجاز است از هر ریتمی استفاده کند؟ امروزه متأسفانه در بین مسئولان و متولیان فرهنگی ما این جمله به‌راحتی گفته می‌شود که به‌واسطه زبان حال روز که جوان‌ها هم بی‌فلسفند هنر‌ها را سطحی‌نگری می‌کنند و نگاه اقتضایی؛ همین سرودهایی که امروزه ارائه می‌شود؛اکثرا سرود نیست، ترانه است. موسیقی‌های پاپ است که قالب سرود را ندارد. قالب و شکل و فرم سرود در جهان مشخص است. ریتم‌های ساده دو و چهار که در رزرها و سرود ملی بوده و هست کار علمی است براساس هجاها و سیلاب‌های کوتاه.

می‌بینم که امروزه مداحی‌ها را به اسم سرود اجرا می‌کنند. آهنگ‌های پاپ را به اسم سرود مطرح می‌کنند. مثل همان دهه ۶۰ که زمان جنگ بود گویندگان رادیو و تلویزیون می‌گفتند سرود را بشنویند. بعضا صدای مرحوم بنان پخش می‌شد و تصنیفی بود اما می‌گفتند سرود…خب آن زمان آنگونه بود. به‌راحتی نمی‌توانیم به هر شکل و قالبی سرود بگوییم. سرود شکل و قالب منحصر دارد. یکی از زیرشاخه‌های بسیار مهم از موسیقی هر مملکتی از این جهان است و همینطور مصداق پیدا می‌کند در نوع ارائه روضه و مداحی و اذکار…این اشتباهات از طرق مدیران دولتی و خصوصی و هبیتی است… ایندگان وقتی بررسی و تروق کنند افسوس می‌کنند که ما چقدر بی‌حاصلی و چه بی‌توجهی به شاعر ملی و دینی و مذهبی‌مان داشته‌ایم.

یادداشت

بهروز شریفیان؛ نوازنده دمام

نقش دمام در موسیقی مذهبی بوشهر

بنا بر تصویرنگاری‌ها و روایاتی که از بومیان سینه‌به سینه نقل شده،ساز دمام از کشور هند، زنگبار (تانزانیا) شمالی از طریق دریا و افرادی که روی کشتی‌های یابری و ماهیگیری مشغول به کار بودند به‌عنوان هدیه یا به‌عنوان مبادله کالا به کالا به بوشهری‌هایی که بزاید آنها بودند تقدیم می‌شدند و این مهم سر آغاز داستان حضور یک‌ساز در فرهنگ و موسیقی بومی ایران می‌شود. دمام جز دسته سازهای کوبه‌ای استو‌انهای شکل قرار می‌گیرد که با نوسان پوست به‌صدا در می‌آید. نوازنده با چوبی از جنس شاخه‌های درخت خرما روی آن می‌نوازد. این چوب با انداز‌های حدود ۴۰ سانتی‌متر باید هنگام نوازندگی در دست راست نوازنده باشد و بر آن طرف از دمام نواخته شود که بدون علامت است، نوازنده همچنین با دست دیگر خود (بدون چوب) بر آن سوی دمام (که نشاندار است) می‌نوازد. دمام‌ها بنا به مورد استفاده‌ای که در یک گروه سنخ و دمام دارند دارای ابعادی متفاوت هستند ولی ضخامت همه پیپ‌ها حدود ۲ سانتی‌متر است که در لبه‌ها به یک سانتی‌متر می‌رسد. استفاده این قسم از سازها (طبل‌ها) در تاریخ بشر در جنگ‌ها برای آرایش‌دانن به سپاهیان بوده است.اما استفاده از این ساز در جنوب ایران معمولا برای اطلاع‌رسانی و جمع شدن اهالی برای برگزاری مراسم مذهبی بوده است.به‌عنوان مثال می‌شود از (دم دم سحری هنگام سحر گاه در ماه رمضان) و مراسم سینه‌زنی در ایام محرم و صفر و همچنین مراسم آیینی مثل زار یا مجالس شادی و مراسم از این قبیل نام برد.دمام در هر کدام از این مراسم‌ها با شیوه و ریتم متفاوتی اجرا می‌شود که امروزه این ریتم‌ها در گروه‌های موسیقی روی صحنه‌های کنسرت جایگاه به‌خصوص خود را پیدا کرده است. با جمع آوری و کنار هم قرار گرفتن آنها می‌توان به یک مجموعه از ریتم‌ها با فرم و لپچه‌ای اختصاصی رسید، همانطور که در کشور‌های آفریقای و آمریکای لاتین با مجموعه‌ای وسیع از ریتم‌ها رویه‌ر هستیم که از دل طبیعت برخاسته‌اند و به منابعی مهم و تأثیر گذار در حوزه ریتم در دنیا مبدل شده‌اند.

اگر بخواهیم به ریتم‌هایی که در منطقه جنوب ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند بپردازیم باید گفت مهم‌ترین آنها ریتمی است که در مراسم سنخ و دمام به‌صورت گروهی اجرا می‌شود. در این گروه‌نوازی معمولا ۸ یا ۱۰ نوازنده دمام، ۶ یا ۸ نوازنده سنخ و یک یا دو نوازنده بوق شاخی کنار هم قرار می‌گیرند. برای شکل‌گیری این گروه‌نوازی برای هر نوازنده یک خط اجرایی تعریف می‌شود. در ابتدا نوازنده‌های دمام به دو دسته تقسیم می‌شوند و رویه‌روی هم قرار می‌گیرند و یک‌نوازنده به‌عنوان رهبر و همچنین سولیست گروه در راس آن دو دسته می‌آیند. ۱۳ یا ۱۴ نوازنده سنخ پشت سر سولیست که اصطلاحا و نوازنده اشکون یا اشکون‌زن می‌نامند، قرار می‌گیرند و گروه دمام رویه‌روی آنها در آخر دسته در دست دمام‌نوازه‌ها همه موظفند یک ریتم را حفظ و تکرار کنند. اصطلاحا این ریتم را دو چوب می‌نامند که دو ضربه با چوب زده می‌شود (سه ضربه با دست دو یا چهار نوازنده نزدیک به نوازنده اشکون (چوب) را عهده‌دار هستند. در ستمتی که چوب نوازنده غیره به نوازنده اشکون نزدیک است یک ضربات بیشتر قوی‌تر چوب و در ستمتی که دمام ریتم را رهبر قرار دارد ضربات بیشتری با دست راست می‌شود تا ریتم به شکل مطلوب برای اجرای سولیست یا نوازنده اشکون برسد. نوازنده غیره ۱۰ الی ۱۲ فرم را اجرا می‌کرده تا بستر را برای نوازنده اشکون کاملا آماده کند. حالا اشکون وارد می‌شود و با کت ضربه‌های چوب که قوی‌تر از مابقی نوازنده‌ها اجرا می‌شود به شکست ریتم یا اصطلاحا ناواختن ضدضربه‌ها می‌پردازد. با صدای بوق جملات ریتمیک گروه به نقطه جذب بر از شور و هیجان می‌رسد.

بوق،ساز ساده و ماریچی شکل است. این‌ساز ی ویژه در بین سازهای محلی ایران است و فقط در فرهنگ موسیقایی بوشهر واقع در شمال خلیج فارس رواج دارد. بوق معمولا همراهی‌کننده گروه نوازندگان سنخ و دمام است و به‌صورت متناوب با دیگر نوازندگان همراهی می‌کند. نوازنده بوق گاه شروع کننده مراسم سنخ و دمام‌نوازی است. نوازنده بوق با میدین بر سوراخ کوچکی که در انتهای باریک‌ساز تعبیه شده است، می‌تواند بین دو تا سه نت موسیقی را تولید کند. در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت، بوق همانند دیگر سازهای ملودیک، بتواند ملودی‌های رنگارنگی تولید کند. صداهای تولید شده توسط این ساز، در گروه ترکیب زیبایی از صداهای کوبه‌ای و کششی ایجاد می‌کند. امروزه در برخی آثار اکرستری، از این‌ساز به‌صورت محدود استفاده می‌شود.ولی کاربرد اصلی‌اش همچنان در آیین عزاداری بوشهر است.

ابتدا و انتهای سنخ در دمام بوق زده می‌شود و حین اجرای سنخ و دمام این‌ساز؛ بلاهه نوازی می‌کند. در اول و آخر دسته، نوازنده‌های سنخ هم یک الگوی ریتمیک را نگه می‌دارند و زمانی که نوازنده اشکون کار خود را شروع می‌کند، آنها نیز با اجرای ضدضربه‌ها برای ایجاد شور و زیبایی بیشتر به او کمک می‌کنند.

این قدرت اصالت ریتم است. می‌توان گفت اکثر ریتم‌هایی که در جنوب کاربرد دارند از بیس ریتم سنخ و دمام برگرفته شده‌اند. به‌عنوان مثال ریتم‌های شکی و چوبی در بوشهر که در مراسم شاد و محافل مورد استفاده قرار می‌گیرند، ریتم خرمشهری در خوزستان یا ریتم‌هایی که در بندرعباس با سازهای دهل پیپه و کسسر و در بلوچستان باساز دهلک اجرا می‌شود.

امروز آگاهی نسبت به این موضوع یعنی تواناییه و ریتم‌های قابل اجرا با این‌ساز گسترده شده و استفاده از دمام دیگر به اجرا در مراسم مذهبی محدود نیست. تمام تلاش من در این راستا این بوده که دمام به‌عنوان یک‌ساز کوبه‌ای ایرانی هویت خود را در موسیقی اصیل‌مان باز یابی کند و به ثبات برساند تا چهره دیگری از این‌ساز با قدمت با الگوهای ریتمیک جذاب را به دنیا معرفی کنم.

نوازنده دمام در جشن سوگواری سیدالشهدا در بوشهر